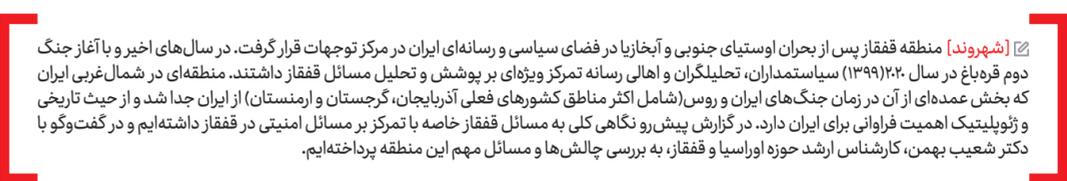


نگاهی به چالش‌ها و مسائل قفقاز

التهاب در تقاطع آسیای مرکزی،اروپا و خاورمیانه

◀ دکتر شعیب بهمن در گفت و گو با روزنامه «شهروند»: «اجرای شدن کریدور جعلی زنگرور می تواند باعث خفگی

ژئوپلیتیکی ایران شود و ایران را از حضور موثر در کریدورهای ترانزیتی بین‌المللی محروم می‌کند



جغرافیای قفقاز،کشورهاواققتصاد
(قفقاز در انگلیسی: Caucasus) به منطقه‌ای کوهستانی با مساحت ۴۴۰هزار کیلومترمربع اطلاق می‌شود که بین دریای کاسپین(خزر) و دریای سیاه واقع شده و اکنون شامل کشورهای روسیه،آذربایجان،گرجستان و ارمنستان است.این منطقه در دوران باستان برای سده‌ها متعلق به ایران بود و حدود دو قرن قبل(اوایل قرن ۱۹) طی عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای از ایران جدا و جزو روسیه تزاری و بعدا اتحاد شوروی شد.
پس از فروپاشی ابرقدرت شرق، سه جمهوری: گرجستان با پایتختی تفلیس،ارمنستان به پایتختی ایروان وآذربایجان به پایتختی باکواعلام استقلال کردند و سه کشور مجزرا تشکیل دادند.
اکنون جمعیتی حدود۲۰میلیونی در این کشورها ساکن هستند.قفقاز به دو منطقه شمالی و جنوبی قابل تقسیم است.قفقاز شمالی شامل بخش‌هایی از روسیه همچون جمهوری‌های خودگردان چچن، داغستان، اوستیای شمالی -آلانیا، کراسنودار، استاوروپول و … است. قفقاز جنوبی نیز شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان وگرجستان می‌شود.تنوع فرهنگی و پیچیدگی‌های قومی بر اهمیت و حساسیت قفقاز به‌خصوص بخش جنوبی آن افزوده است.اقوام گرجی، آبخاز، ترک، تاتار، چچنی، روس، طالبشی و حتی مغول در کشورها و بخش‌های مختلف قفقاز سکونت دارند.تعدد رده‌خان‌ها،دریاها،منابع انرژی، راه‌ها و دسترسی به اروپا، آسیای مرکزی و خاورمیانه بر اهمیت جغرافیایی قفقاز افزوده است. حجم تجارت خارجی ارمنستان، آذربایجان و گرجستان در سال ۲۰۲۳ به ترتیب ۲۰۷، ۴۷۳ و ۲۱٫۵میلیارد دلار بوده است. تولید ناخالص داخلی کشورهای فوق نیز به ترتیب ۲۳٫۷، ۷۰٫۳ و ۲۷٫۹ میلیارد دلار بوده است. رشد اقتصادی ارمنستان، آذربایجان وگرجستان نیز به ترتیب ۸٫۵، ۶٫۲ درصدبوده است.

اهمیت ژئوپلیتیک وامنیتی قفقاز

منطقه قفقاز باقرار داشتن در تقاطع آسیای مرکزی،اروپا و خاورمیانه وهمسایگی با

ایران،ترکیه وفدراسیون روسیه از حیث ژئوپلیتیک وامنیتی حساسیت فوق‌العاده‌ای دارد. در سال‌های اخیر ترکیه، آمریکا، روسیه و ایران از بازیگران فعال در منطقه قفقاز بوده‌اند و چین و رژیم صهیونیستی نیز به جمع بازیگران منطقه قفقاز اضافه شدند و هر یک از این کشورها، در منطقه قفقاز منافع خود را دنبال می‌کنند. در اوت ۲۰۰۸ روسیه دیمیتری مدودف در پی سرکوب استقلال طلبان اوستیای جنوبی به مداخله نظامی در گرجستان پرداخت که در نهایت و بر اثر آن، اوستیای جنوبی در مرکز و آبخازیا در حدودشمال‌غربی گرجستان اعلام استقلال کردند.هر چنداعضای ناتو،اتحادیه اروپا و سازمان ملل همچنان استقلال این مناطق را به رسمیت نشناخته و آن را جزئی از خاک گرجستان می‌دانند. افزون بر آن، در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ نبرد بر سر جمهوری خودخوانده آرتساخ(شامل قره‌باغ و قره‌باغ کوهستانی) بین دولت‌های آذربایجان و ارمنستان شکل گرفت که ۴۴ روز به طول انجامید و به جنگ دوم قره‌باغ موسوم شد که با میانجی‌گری روسیه خاتمه یافت. در نهایت جمهوری آذربایجان مناطقی شامل ۹ شهر و شهرک، ۲۴۰ روستا و نوار مرزی ایران و آذربایجان را پس گرفت. اخیرا و در اواخر سال ۲۰۲۳ نیز جمهوری خودخوانده آرتساخ منحل شد و منطقه قره‌باغ کوهستانی کاملا در اختیار آذربایجان قرار گرفت. در این جنگ جمهوری اسلامی همواره بر تعلق قره‌باغ به آذربایجان و حمایت از مسلمانان این کشور تاکید داشت. این بحران‌ها و تبعات سیاسی،امنیتی وژئوپلیتیک آن سبب پیچیده‌ترشدن مسائل قره‌باغ وتعارض منافع بازیگران متعدد دو دخالته هر چه بیشتر اروپا، آمریکا و روسیه در قفقاز شد.

چالش‌ها و بحران‌های قفقاز

دکتر شعیب بهمن، مدیر «موسسه مطالعات جهان معاصر» و از معدود کارشناسان ارشد حوزه قفقاز و اوراسیاست که تحلیل‌های او مورد توجه رسانه‌ها قرار دارد. دکتر بهمن در مورد عمده‌ترین چالش‌ها و مسائل حاضر قفقاز می‌گوید: «منطقه قفقاز در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ عملا شاهد تغییرات گسترده‌ای در محیط جغرافیایی، ژئوپلیتیک و امنیتی خود بود و این تغییرات محیطی باعث به هم خوردن موازنه قدرت در منطقه شده است. به هم خوردن موازنه

گزارش شهروند



خارجی ایران به ریل درست و مسیر صحیح برگردد. در حال حاضر، حفاظت از خطوط قرمز رهبر انقلاب که در همان ایام جنگ قره‌باغ مشخص کردند، یعنی مسائل مهمی مثل عدم تغییر ژئوپلیتیک منطقه و عدم تغییر مرزهای بین‌المللی از سیاست‌های استراتژیک و خطوط قرمز ایران محسوب می‌شود و اگر ایران این را به‌خوبی پیش ببرد، می‌تواند از تغییرات محیطی در قفقاز جلوگیری کند.»

ضرورت اصلاح و بهبود سیاست ایران در قفقاز

دکتر بهمن درباره ضرورت اصلاح بیشتر در رویکرد ایران نسبت به قفقاز نیز گفت: «اکتفا کردن به خطوط قرمز مذکور می‌تواند ما را در شرایط سلبی قرار دهد و قرار گرفتن در شرایط سلبی می‌تواند هزینه‌های هر نوع سیاست را افزایش دهد. لذا ما حتما نیاز داریم در بعد ایجابی هم سیاست‌هایی در منطقه قفقاز و در تنظیم روابط خود با دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان تدارک ببینیم. در این بین باید نقش گرجستان را هم در منطقه مورد ملاحظه قرار دهیم. علاوه بر راهبرد کلان در مورد قفقاز، در مورد هر یک از این کشورها هم باید راهبرد مشخصی داشته باشیم و سیاست خارجی خودمان را بر مبنای آن تنظیم کنیم.» او با اشاره به چگونگی تنظیم راهبردهای ایران نسبت با کشورهای قفقاز نیز افزود: «قاعدتا در این راهبردها، هم باید حوزه‌های سیاسی و ارتباط با دولت‌های منطقه دیده شود و هم حوزه دیپلماسی عمومی و ارتباطات مردمی در نظر گرفته شود. مثلا به طور خاص در آذربایجان ما یک جمعیت شیعه داریم که گرایش به ایران در میان آنان قوی است، بنابراین باید تمایزی بین دولت علی‌اف و مردم آذربایجان قائل شویم. در کنار همه اینها باید نسبت به حضور و نفوذ بازیگران خارجی در منطقه هم حساسیت بیشتری به خرج دهیم، به‌ویژه در مورد حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی که کاملا آذربایجان را به خاک‌ریزی علیه ایران تبدیل کرده است. حضور اسرائیل در منطقه نباید تحمل شود و ایران باید طرح جدی‌تری در این باره اتخاذ کند.»

نسبت روس‌ها با مسائل قفقاز چیست؟

بهمن در مورد رویکرد روسیه درباره قفقاز نیز عنوان کرد: «برای روس‌ها مسئله متفاوت‌تر از آمریکایی‌هاست، چراکه روس‌ها بعد از فروپاشی شوروی این منطقه را یکی از مناطق حیاتی در حوزه سیاست خارجی خود تعریف کردند و حتی به خاطر اهمیت منطقه در اوت ۲۰۰۸ با گرجستان وارد جنگ شدند و مناطق اوستیای جنوبی و آبخازیا عملا پس از آن به تحت‌الحمایگی روسیه درآمدند و به هر حال، این موضوع تاثیر قابل توجهی بر محیط ژئوپلیتیکی قفقاز گذاشته است.» او همچنین درباره اشتباهات روس‌ها در مورد کشورهای قفقاز عنوان کرد: «روس‌ها تصور می‌کردند با اعطای امتیازات بیشتر به آذربایجان می‌توانند باکو را وارد اتحادیه اقتصادی اوراسیا کنند و در عین حال، دولت غرب‌گرای پاشینیان را هم تنبیه کنند. اما امروز عملا ثابت شده که نه باکو تمایلی به عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و همگرایی بیشتر با روسیه دارد و نه روسیه موقعیت مناسبی در روابط با ارمنستان پیدا کرد و موقعیت سابق را هم از دست داد. در نتیجه شرایط، برای روس‌ها شرایط جدیدی است. اکنون گرایش باکو و ایروان به غرب و عضویت در ناتو می‌تواند شرایط را برای روسیه پیچیده‌تر و دشوارتر از قبل کند.»

غرب‌گرایی دولت پاشینیان بعد دیگر معادلات قفقاز

این استاد دانشگاه در مورد رویکرد دولت نیکول پاشینیان عنوان کرد: «دولت پاشینیان یک دولت غرب‌گراست و در سال‌های گذشته تحت حمایت غرب هم قرار داشته و امروز هم به پشتوانه غرب در تلاش است در سیاست‌های کلان به‌ویژه سیاست‌های امنیتی خود تجدید نظر کند. عملا شاهد این هستیم که دولت پاشینیان خواهان کاهش ارتباطات با روس‌ها در حوزه‌های امنیتی است و حتی خواهان خروج روس‌ها از پایگاه‌های نظامی‌شان در ارمنستان شده و اعلام کرده که قصد دارد از پیمان امنیت جمعی که روسیه در آن نقش قابل توجهی دارد، خارج شود. بنابراین این روند‌ها نشان می‌دهد دولت پاشینیان در ارمنستان شرایط را به این سمت می‌برد که از ساختارهای امنیتی روسی در منطقه خارج شود و به جای آن به ساختارهای امنیتی غربی بپیوندد.»

رویکرد چرچ خاموش ومحتاطانه آمریکادر قفقاز

دکتر بهمن در مورد سیاست‌های آمریکا در قفقاز نیز اضافه کرد: «تمایل آمریکا این است که با نزدیک شدن به ارمنستان نفوذ خود را گسترش داده و موازنه را در منطقه با روس‌ها تغییر دهد. اما به نظر می‌رسد احتیاط‌هایی در این زمینه نشان می‌دهد. آمریکا در عین تمایل به جذب ارمنستان در ساختارهایی چون ناتو، محتاطانه رفتار می‌کند، چراکه واشنگتن تمایل ندارد در شرایط فعلی و با وجود جنگ اوکراین، جبهه جدیدتری در منطقه قفقاز برای آنان باز شود و به همین سبب این پروژه را چرخ خاموش و بی‌صدا پیش می‌برد. به دلیل همین رویه محتاطانه، روس‌ها تصور نمی‌کردند این مسئله به واقعیت بپیوندد و تمایل این کشورها(آذربایجان و ارمنستان) به سمت عضویت در ناتو جدی‌تر شود. به هر حال، این روند، رو به جلو پیش می‌رود و اگر روس‌ها سیاست خارجی خود را تغییر ندهند، باید شاهد چالش‌های جدیدتری در منطقه قفقاز باشند.»

تاثیر کریدورهای چینی بر تحولات منطقه

این کارشناس حوزه قفقاز و اوراسیا درباره برنامه‌های چین از جمله کریدورهای تجاری می‌گوید: «واقعیت این است که چینی‌ها در چیزی که به عنوان ابتکار جاده و کمربند اعلام کرده‌اند، هیچ مسیر مشخصی را برای پروژه خودشان تعیین نکرده و از هیچ کشوری به عنوان همکار نام نبرده‌اند. البته مسیرها و نقشه‌های متعدد و متنوعی در این خصوص طراحی شده بود و درباره مسیرهای متعددی هم بحث می‌شد، اما چیزی به شکل قطعی و رسمی وجود نداشت. با نگاهی به مسیرهای مختلف مشخص می‌شود که چینی‌ها برای عبور از جغرافیای خود و دسترسی به اروپا و غرب سه مسیر مشخص داشتند. یک مسیر از شمال دریای کاسپین و از روسیه به سمت غرب بود که این مسیر بعد از جنگ اوکراین به دلیل تحریم‌های غرب علیه روسیه کنار گذاشته شد. مسیر دیگر از جنوب دریای کاسپین با محوریت ایران بود، اما تعلق‌هایی که ایران در سال‌های قبل انجام داد و فقدان یک راهبرد منسجم برای اینکه خودمان را در این پروژه تعریف کنیم و جایگاهی داشته باشیم، باعث شد عملا نقش ایران هم پررنگ دیده نشود. مسیر سوم هم از آذربایجان است و جمهوری آذربایجان در تلاش است کریدور زنگرور را فعال کند، یعنی مسیر چین از آسیای مرکزی به قزاقستان و ترکمنستان را از طریق دریای کاسپین و باکو به ترکیه و اروپا متصل کند. بر این اساس، کریدور زنگرور اهمیت قابل توجهی می‌یابد، چون مسیر چین را می‌تواند کوتاه‌تر کند.»

تحولات قفقاز به رویکرد کشورهای منطقه بستگی دارد

دکتر بهمن در پایان با اشاره به تاثیر رویکرد کشورها در مسئله کریدورها بیان کرد: «همه این کشورها تلاش می‌کنند خودشان را در این پروژه تعریف کنند و وضعیت ما هم بستگی به این دارد که چقدر می‌توانیم خودمان را در چنین پروژه‌ای تعریف کرده و برای خودمان نقش تعیین کنیم. چینی‌ها هیچ رویکرد قطعی ندارند، اما به دنبال کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و امن‌ترین مسیر هستند، مانند همه کشورهای بی‌دنیال منافع خودشان هستند. اگر ما بتوانیم این موضوع را در کشور خودمان به عنوان مسئله راهبردی ببینیم و دنبال کنیم، قطعاً می‌توانیم از فرصت‌ها استفاده کنیم، اما اگر مثل سال‌های گذشته تعلل کنیم، زمان را از دست می‌دهیم و دیگران از ما پیشی می‌گیرند و نباید انتظار داشت چین و بقیه کشورها معطل ما بمانند.»



دکتر شعیب بهمن کارشناس ارشد حوزه قفقاز و اوراسیا؛ واقعیت این است که چینی‌ها در چیزی که به عنوان ابتکار جاده و کمربند اعلام کرده‌اند، هیچ مسیر مشخصی را برای پروژه خودشان تعیین نکرده و از هیچ کشوری به عنوان همکار به عنوان همکار نام نبرده‌اند… وضعیت ما هم بستگی به این دارد که چقدر می‌توانیم خودمان را در چنین پروژه‌ای تعریف کرده و برای خودمان نقش تعیین کنیم. چینی‌ها هیچ رویکرد قطعی ندارند، اما به دنبال کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و امن‌ترین مسیر هستند

نقاط قوت و ضعف رویکرد ایران در قفقاز و جنگ قره‌باغ

بهمن در پاسخ به نقاط ضعف و قوت رویکرد ایران در جنگ دوم قره‌باغ بیان کرد: «در زمانی که جنگ دوم قره‌باغ اتفاق افتاد، ما بایک سردرگمی بزرگ در سیاست خارجی مان مواجه شدیم که می‌توان آن را نوعی غفلت استراتژیک خواند، یعنی عدم فهم صحیح مسئله و آنچه که اتفاق افتاد و تقابل آن به دعوای آدری-ارمنی و ندیدن روندهای کلان‌تری که در حال رخ دادن در منطقه بود، سبب شد ما دچار اشتباهات راهبردی شویم و این خطای راهبردی برای ما هزینه‌هایی ایجاد کرده است.» این تحلیلگر مسائل منطقه درباره خطوط قرمز ایران در قفقاز و تغییر رویکرد جمهوری اسلامی درباره باکو عنوان کرد: «البته تلاش‌های زیادی در این مدت صورت گرفته که سیاست

